

					
پایان توفان زرد	مایکون، راز بازی اول	فحاشی آنلکا به دومنک	چلوس: اروپا هنوز هم در بحران است		
۱۴	۱۵	۱۶	۱۶		
					

پنج‌گانه پارلی‌های لمروری

					
اسلوآکی	اسلوواکی	پاراگوئه (ساعت ۱۶، گروه F)			
ایتالیا	نیوزیلند (ساعت ۱۸/۳۰، گروه F)				
برزیل	ساحل عاج (ساعت ۲۳، گروه G)				

پایان‌هاست

شهرام وزیری

جام جهانی، حسرت یا مسرت؟

در شوق دیدار بازی‌های جام جهانی کم نیستند هموطنانی حسرت‌خور که می‌گویند… چقدر جای فوتبال‌مان در این جام خالی است و… اگر آن شوت پارک جی سونگ کره‌ای به جای اینکه به تور بخورد به تیر دروازه ما می‌خورد، آیا الان این ما نبودیم که دو گل به یونانی‌ها می‌زدیم؟!… یا اگر آن شوت اسامه الحربی عربستانی به عوض آنکه در دل تور دروازه ما می‌نشست، سینه ابرها را می‌شکافت آیا اکنون این فوتبال ما نبود که در برابر ستارگان جام جهانی مقتدرانه می‌ایستاد تا جهان و جهانیان به احترام فوتبال‌مان کلاه از سر بردارند؟!
خب از سویی هم کم نیستند میزنشینانی که همواره بنا بر بقای میز خویش با وعده‌های کلیشه‌ای می‌فرمایند: «شکست پل پیروزی است و در پس هر ناکامی در جهت دلداری و چه بسا تحقیر مخاطبان خود مدام با وعده به ساختن چنین پل‌های خیالی نوید پیروزی‌های فردا را سر می‌دهند».
جام نوزدهم دور آغازین خود را البته بی‌حضور فوتبال ما پشت سر گذاشت تا در گذرش آنچه دیده شود، بزرگانی کوچک‌نما باشند و کوچکانی بیشتر بزرگ‌نما. کم نبودند کسانی که از قبل شال و کلاه کرده بودند تا برای چشم انداختن بر چشم بزرگانی چون انگلیس و ایتالیا و اسپانیا و پرتغال و برزیل سفره مسرت پهن کنند و بازی به بازی که تمام شد آنچه خورده شد لقمه‌ای جز حسرت نبود. این سفره پهن بود تا برخلاف انتظار در پایین پایش از دیدن کره جنوبی و شمالی و ژاپن و حتی نیوزیلند، حسرت‌خوران فوتبال‌مان بیشتر باشند. در کنار تلخی و شیرینی روزهای آغازین جام نوزدهم کم نبودند هموطنانی حسرت‌زده که در به در دنبال فوتبال‌مان می‌گشتند، تا یک روزش که کره جنوبی مقتدرانه می‌برد، ایران را به جایش ببینند و یک روزش که ژاپنی‌ها سخت‌کوشانه برنده می‌شوند، ایضاً ایران را کمتر از آنها ببینند، تا در این تشبیه و شباهت و قیاس و مقایسه در آینده جام آنچه رنگ ببازد دلیل و برهان و منطق باشند و آنچه در چرخه احساس رنگ تعلق خاطر به خود بگیرد، فوتبال‌مان باشد و در قضاوتی ناعادلانه «معلول» برد را ببینند ولی چشم بر «علت» برد ببینند. در پیش صحنه با چشم احساس ۹۰ دقیقه کره و ژاپن و… را دید بزنند ولی چشم منطق بر نودها دقیقه پشت صحنه‌اش بریندند، چنانچه حسرت‌خوران ما فوتبال کره را در ویرتین جام جهانی می‌بینند ولی قبل از آن ساختار و نظم و نظام آن فوتبال و برنامه فوتبال‌داران آنها را نمی‌بینند. برد فوتبال ژاپن را در جام جهانی می‌بینند اما برد صنعت و تجارت و اقتصاد و قدرت خرید پول ژاپن را در بازارهای جهانی نمی‌بینند. از برد کره و ژاپن لذت می‌برند ولی هرگز از خود نمی‌پرسند که برآیند این موفقیت‌ها و پیروزی‌های بابرنامه حاصل کدام فرآیند و نتیجه کدامین طرح و برنامه و برنامه‌ریزی و برنامه‌داری بوده است.در پای تلویزیون نشسته هی به یاد کریمی‌ها و نکونام‌ها و مهدوی گیاه‌ و شجاعی‌ها و مقایسه آنها با سونگ‌ها و مونگ‌های کره‌ای و گوجی‌ها و سوکی‌های ژاپنی سر ناخن حسرت می‌چوند ولی قبشش به خود زحمت نمی‌دهند همین فوتالی را که کریمی‌ها و نکونام‌ها و… از دل مدیریت‌های غیرحرفه‌ای‌اش برخاسته‌اند به درستی بررسی کنند. مدام نمودها و نمادها و نماهای ساختمان فوتبال‌مان را با دیگران قیاس می‌کنند ولی کمتر به پایه و پی و فونداسیون این فوتبال توجه می‌کنند. نمی‌آیند در این قیاس البته قیاس مع‌الفارق وزن داشش و مقدار تجربه و تعدد تیم‌داران غیرحرفه‌ای و مدت خدمت‌گیری آنها را در برابر همین مدیران تیم‌های آسیایی محک بزنند. جام جهانی را می‌بینند ولی با وارونه گرفتن ترازوی قیاس خود و چرخش مغلق شاهین‌اش می‌خواهند همه چیز را به دل و میل خویش وزن کنند. حسرت‌خوران وطنی قبل از حسرت و قبل از حرمان و رشک‌خوردن نمی‌آیند بنشینند کلاه خود را قاضی کنند که فوتبالی با این‌ا امکانات ضعیف نرم‌افزاری و با این بضاعت عقب‌افتاده سخت‌افزاری که سال‌ها است میان چرخه دولت و ملت حیران و سرگردان و پلاتکلیف ماند است چه کار به جام جهانی.

پایان‌هاست

بیژن ذوالفقارنسب

انگلستان هنوز آماده نیست

دو تیم انگلستان و الجزایر با دو نگاه متفاوت به میدان آمده بودند؛ در یک‌سو انگلستانی قرار داشت که از بازی با آمریکا تنها یک امتیاز گرفته بود و می‌خواست با پیروزی در این بازی خیالش را از بابت صعود راحت کند. در سوی دیگر الجزایر با توجه به باخت روز اول برابر اسلونی به گرفتن یک امتیاز می‌اندیشید تا با تکیه بر همین یک امتیاز همه اتفاق‌ها را به بازی آخر مقابل آمریکا بکشاند. تیم انگلستان در این دیدار یکی از ضعیف‌ترین بازی‌های خود را در دو سال گذشته انجام داد. این تیم در تمام نقاط زمین ناهماهنگ و سردرگم بود. در خط دفاع این تیم هر دو مدافع میانی یعنی تری و کرگر بسیار کند و ناهماهنگ عمل می‌کردند و اگر تیم الجزایر با تعداد نفرات بیشتری حمله می‌کرد به طور قطع می‌توانست از ضعف انگلیسی‌ها استفاده کند. در خط میانی اصرار مربیان گذشته انگلستان برای استفاده هم‌زمان از جرارد و لمپارد در کنار یکدیگر را کاپلو به نوعی دیگر تکرار کرد. هر چند در سیستم کاپلو، جرارد به یک خط جلوتر برده شده بود، اما جرارد با توجه به خصوصیات ذاتی خود دوباره در کنار لمپارد قرار می‌گرفت و بازی انگلستان را از سرعت می‌انداختند. در خط حمله هم انگلستان هیچ طرح و نقشی‌ای نداشت و در تمام دقایق بازی هسکی و رونی نتوانستند حتی یک خطر روی دروازه الجزایر به وجود بیاورند و آمدن مهاجمان دیگر هم کمکی به این تیم نکرد. انگلستان که با روش ۴-۴-۲ بازی می‌کرد، در طول بازی، این روش به طور تدریجی به سیستم ۳-۲-۳-۴ تغییر پیدا کرد که این تغییر نیز نتوانست کمکی به تیم کاپلو کند. به نظر می‌رسد سرمربی انگلستان با سه مشکل جدی مواجه شده است؛ روحی – روانی، فنی و آمادگی جسمانی. بازیکنان انگلستان از نظر روحی، آمادگی لازم را برای قهرمانی و حتی مدعی بودن ندارند. از نظر جسمانی هم به نظر می‌رسد به دلیل تمرینات بیش از حد، در دوره اُفت قرار دارند و این مورد در حرکات بازیکنان انگلستان مشخص بود. از نظر فنی هم کاپلو هنوز نتوانسته تعادل خوبی در تیمش به وجود بیاورد و از کارهای ترکیبی در تیم خبری نیست. تنها نکته مثبت حال حاضر تیم انگلستان گلن جانسون مدافع راست این تیم است که توانسته تا حدودی انتظارات را برآورده کند. در تیم الجزایر که برای این بازی سیستم ۴-۴-۳ را انتخاب کرده بود، تنها چیزی که مشخص بود احتیاج بیش از حد این تیم برای گرفتن تک امتیاز بود که به هدف خود رسید. شاید اگر الجزایر برای گرفتن سه امتیاز به میدان می‌آمد با توجه به ضعف‌های زیاد انگلستان می‌توانست به امتیاز کامل بازی هم برسد. تیم انگلستان اگر می‌خواهد به دور بعدی جام صعود کند باید در مقابل اسلونی تغییراتی در تیمش به وجود بیاورد. انتظاری که از کاپلو می‌رود این است که نیروی جوانی را به ترکیب تیمش تزریق کند، هرچند به نظر نمی‌رسد کاپلو بازیکنان جوان و باتalگیزه‌ای با خودش به آفریقای جنوبی آورده باشد. کار بعدی‌ای که سرمربی انگلستان باید انجام دهد این است که برای تیم کم‌سرعشت تمرین ریکاوری خوبی انجام دهد تا برای بازی چهار روز بعد آمادگی خوبی داشته باشد. با توجه به تساوی آمریکا و اسلونی در بازی همین گروه، حالا انگلستان مجبور است در بازی آخر به پیروزی برسد تا از کابوس حذف در مرحله گروهی جام جهانی خلاصی پیدا کند. با این حال به نظر می‌رسد انگلستان می‌تواند از این گروه صعود کند و در بازی‌های مرحله بعد به طور قطع انگلستان متفاوتی خواهیم داشت. این تیم هنوز به آن آمادگی که در مسابقات مقدماتی داشت نرسیده است و تا آن مرحله فاصله دارد. در مور الجزایر هم می‌توان گفت این تیم منظر حوادث روز آخر است تا شاید بتواند صعود کند.

					
پایان توفان زرد	مایکون، راز بازی اول	فحاشی آنلکا به دومنک	چلوس: اروپا هنوز هم در بحران است		
۱۴	۱۵	۱۶	۱۶		
					



موکراتس ستاره جام‌های جهانی ۱۹۸۲ و ۱۹۸۶

امیدی به این برزیل ندارم

آفریقایی بازی کرده است و در تمامی دیدارهای هم به پیروزی رسیده است. برزیل در برابر تیم‌های دفاعی همیشه با مشکل مواجه بوده است، به همین دلیل آنها در مقابل کره شمالی به سختی توانستند پیروزی را از آن خود کنند. اما آنها امیدوارند ساحل عاج بازی تهاجمی‌تری را به نمایش بگذارد. روبرینیو مهاجم برزیل در این باره می‌گوید: «فکر نمی‌کنیم ساحل عاج چندان دفاعی بازی کند. ما با مشکلاتی که در برابر کره شمالی داشتیم در بازی ساحل عاج مواجه نخواهیم شد. کاکا برای ما اهمیت فراوانی دارد. اگر او خوب ظاهر شود می‌تواند نتیجه بازی را برای ما عوض کند.» این در حالی است که با نمایش نامیدکننده تیم‌های اروپایی در این جام اکنون بیش از هر زمانی امیدها به قهرمانی تیمی چون برزیل افزایش یافته است. اما سوکراتس ستاره پیشین برزیلی‌ها امید چندانی به تیم دونگا ندارد و شانسِی برای قهرمانی این تیم قائل نیست. او مرد متفکر برزیلی‌ها در زمین بازی بود. سوکراتس کاپیتان تیم ملی برزیل در جام جهانی ۱۹۸۲ یک هافبک پرانرژی برای این تیم بود. او ۶۰ بار برای برزیل به میدان رفت و ۲۲ گل هم برای آنها به ثمر رساند. او برخلاف بسیاری از بازیکنان فوتبال در عرصه علم هم بسیار موفق بوده و پزشک است. او علاوه بر موفقیت‌هایش در عرصه ورزش و علم در زمینه سیاست هم فعال است. او برای مقابله با رژیم نظامی برزیل کاری کرد که بازیکنان برزیل در جریان



◀ مینا شریفی

برزیل و ساحل عاج امروز در استادیوم ساکرسیتی ژوهانسبورگ به مصاف هم خواهند رفت. پیروزی تیم دونگا را به دور حذفی خواهد رساند و خیال این تیم را در آستانه دیدار با پرتغال راحت خواهد کرد. این در حالی است که تیم اسون گوران اریکسون برای اینکه به حضور در دور بعد امیدوار باشد باید حداقل در برابر قهرمان پنج دوره جهان به تساوی دست یابد. در گروه مرگ برزیل در بازی اولش به سختی توانست با نتیجه دو بر یک کره شمالی را شکست دهد و ساحل عاج هم در برابر پرتغال به تساوی بدون گل رسید. در آستانه این دیدار اعلام اینکه دیدیه دروگبا در روپارویی با برزیل خواهد رسید خبر بسیار خوبی برای ساحل عاجی‌هاست. اریکسون درباره حضور دروگبا در این دیدار گفته است: «جای تعجب نخواهد بود اگر دروگبا در دیدار با برزیل از همان ابتدا در ترکیب تیم قرار گیرد ۱۰ و ۲۵ دقیقه در برابر پرتغال به میدان آمد و همه چیز هم خوب پیش رفت. بازی با برزیل بازی سختی خواهد بود اما اگر مانند دیدار با پرتغال ظاهر شویم ما می‌توانیم در این دیدار شگفتی خلق کنیم.» این اولین روپارویی برزیل با ساحل عاج است اما برزیل در جام‌های جهانی پیشین پنج بار در برابر تیم‌های

پایان‌هاست

در باب امید در آیین فوتبال

رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی جیکوب زوما، در فاصله سه روز مانده به شروع رقابت‌های جام جهانی ۲۰۱۰ خطاب به مردمش گفت که خودشان را برای پایان دوره رنج‌ها و مشقت‌ها آماده کنند و در تدارک جشن و سرور باشند؛ پایان رنج‌ها و فراموشی خاطراتی که مدت‌هاست روح و روان یک ملت را آزار می‌دهد. حال این سوال به وجود می‌آید که فوتبال چه کارکردی دارد که می‌تواند فصل تازه‌ای را برای یک ملت به ارمغان بیاورد؟ به یاد دارم وقتی اسپانیا در جام ملت‌های اروپا ۲۰۰۸ قهرمان شد، یکی از روزنامه‌ها با تیتری هوشمندانه و تامل‌برانگیز نوشت: «اسپانیا ملت شد.» قهرمانی‌ای که شاید پایانی باشد بر منازعات بین‌ایالتی آن کشور. گویی قهرمانی در عرصه فوتبال با حتی مشارکت در این ورزش، یکپارچگی و یکگانگی‌ای بین مردمان به وجود می‌آورد که کمتر رخدادی می‌تواند چنین نقش و کارکردی داشته باشد. اگر کمی به محتوا و مضمون گفته رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی توجه کنیم، در خواهیم یافت که شباهت بنیادینی میان اظهارنظر وی با گفته‌های متفکران وجود دارد. اینکه رخدادی را پایان رنج‌ها و شروع دوران سعادت تلقی کنیم، نکات بسیار مهمی را نشان می‌دهد. ساختار فوتبال مثل بسیاری از مراسم آیینی است. شیء یا مفهوم مورد پرستش،

بازی‌ها پیراهنی را که روی آن کلمه «دموکراسی» نقش بسته بود، بر تن کنند. او که اسطوره‌های کودکی‌اش افرادی چون فیدل کاسترو، چه گوارا و جان لنون بودند از همان زمان جنگندگی و مقاومت را یاد گرفت. در اینجا مصاحبه سوکراتس با مجله تایم را می‌خوانید.

– در آفریقای جنوبی چه کار می‌کنید؟

من سفیر پروژه GOAL 1 هستم. ما تلاش می‌کنیم همه کودکان دنیا از حق تحصیل برخوردار شوند. ما در حال جمع‌آوری چند میلیون امضا برای این پروژه و بالا بردن سطح آگاهی جهانی از این مضل هستیم. ما می‌خواهیم تا جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل دیگر کودکی در جهان وجود نداشته باشد که نتواند درس بخواند.

– جام جهانی برای اولین بار است که در یک کشور آفریقایی برگزار می‌شود. این اتفاق را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

برگزار کردن جام جهانی در یک کشور آفریقایی واقعاً ایده خوبی بود. اکنون مردم جهان آگاهی بیشتری درباره وضعیت یک کشور آفریقایی به دست می‌آورند. این جام سطح بهداشت و آموزش را در این کشور بالا خواهد برد و این همان چیزی است که مردم این کشور به آن نیازمند هستند.

– خب درباره برزیل و شانس این تیم در جام جهانی چه نظری دارید؟

حقیقت را بخواهید من به اینن برزیل چندان اعتمادی ندارم. من فکر می‌کنم برزیل برای رسیدن به دور بعد کار بسیار دشواری را پیش رو دارد چراکه بازیکنان از لحاظ فیزیکی چندان آماده نیستند. اما اگر ما به دور حذفی برسیم احتمالاً خیلی راحت تا فینال پیش خواهیم رفت.

– چرا چنین نظری را در مورد برزیل دارید؟

به اعتقاد من بازیکنان چندان منسجم نیستند. اکثر برنامه‌های تیم حول کاکا است و این بازیکن این روزها در اوج قرار ندارد و این مساله باعث شده برنامه‌های آنها آن طور که پیش‌بینی کرده‌اند، پیش نرود. در عین حال به اعتقاد من بازیکنان آن طور که باید و شاید از لحاظ فیزیکی آماده نیستند. بازی‌های مرحله گروهی برزیل بسیار سخت و نفسگیر است. عدم آمادگی فیزیکی کامل در دوره‌های بعدی به ضرر آنها تمام خواهد شد.

– به اعتقاد بسیاری از کارشناسان گروه برزیل گروه مرگ است. شما بیشتر نگران بازی با پرتغال هستید یا ساحل عاج؟

پرتغال. آنها تیم بهتری هستند. در عین حال دروگبا پیش از جام مصدوم شد و به همین دلیل نمی‌تواند آن طور که یاید به تیمش خدمت کند، به همین خاطر آنها زیاد نمی‌توانند خطرناک باشند. – ستاره جام در این رقابت‌ها چه کسی خواهد بود؟

مسی به نظر من بهترین بازیکن حال حاضر جهان

